

میزان تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی بر همگرایی مردم استان‌های کردنشین ایران

* داریوش جهانی

E-mail: da.jahani@gmail.com

** عزت‌الله عزتی

*** محمدحسن نامی

E-mail: dr.mh.nami@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۳۱

چکیده

تنوع فرهنگی پدیده‌ای جهان‌شمول است. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کشورهای با تنوع فرهنگی، حفظ و تقویت همگرایی افراد و گروه‌های مختلف ساکن در قلمرو سرزمینی است. برخی محققان معتقدند خرده فرهنگ نه تنها تضادی با هویت ملی و فراگیر در ایران ندارند، بلکه در نقش ستون‌های نگه‌دارنده‌ی آن عمل می‌کنند. عوامل زیادی در حفظ و تقویت همگرایی و انسجام اقوام و گروه‌های مختلف ساکن در یک سرزمین نقش دارند و این موضوع از ابعاد و زوایای مختلف قابل بررسی است. لذا نویسندگان در این تحقیق تلاش کرده‌اند تا میزان تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی را بر همگرایی مردم مناطق کردنشین ایران، از منظر نخبگی مورد بررسی قرار دهند. روش این تحقیق پیمایشی و نوع آن کاربردی است. داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته جمع‌آوری شده است. جامعه آماری تحقیق شامل صاحب‌نظران و نخبگان محلی و قومی در دو سطح راهبردی و اجرایی با حجم نمونه ۹۰ نفر و روش نمونه‌گیری ساده تصادفی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی با ۴۵/۲۵ درصد و مؤلفه‌های اقتصادی با ۴۹/۷۵ درصد به‌عنوان عامل همگرایی است.

کلید واژه‌ها: همگرایی، قوم، قوم کرد، هویت، فرهنگ.

* دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام‌رضا (ع)، نویسنده‌ی مسؤول

** دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

*** استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه علوم و فنون فارابی



مقدمه و طرح مسأله

در دنیا کمتر کشوری پیدا می‌شود که به لحاظ قومی همگن باشد، و همین مسأله‌ی ناهمگنی و نامتجانسی جمعیت در کنار برخی عوامل دیگر موجب شده تا مسأله‌ی وحدت و همگرایی ساکنان یک سرزمین، همواره یکی از دغدغه‌های اساسی دولتمردان یک کشور باشد. ایران نیز کشوری است که تنوع دارد و اقوام در ایران به مثابه فرشی رنگینی است، که تار و پود آن‌ها درهم تنیده شده است.

مؤلفه‌های تاریخ مشترک، هویت مشترک و سرزمین مشترک دربرگیرنده تمام مردم ایران از هر قوم و نژاد و مذهبی است و اقوام ایرانی - که قوم نامیدن آن با همان معنی رایج در علوم اجتماعی کاری نادرست است - بخش جدانشدنی سرزمین، دولت و جامعه ایران می‌باشند.

هارتسورن معتقد است که در درون کشور و در هر لحظه‌ای، توازن خاصی میان نیروهایی وجود دارد که آن‌ها را نیروهای مرکزگریز و مرکزگرا می‌نامد (مویر، ۱۳۷۹: ۲۰۰). نیروهای گراینده به مرکز عامل پیدایش کشورها و علت وجودی و اندیشه سیاسی، و نیروهای گریزنده از مرکز عامل ناحیه‌گرایی و واگرایی‌های سیاسی هستند. در بررسی علل و عوامل همگرایی اقوام ایرانی، گردها به لحاظ حضور در جداره‌های مرزی غرب و شمال غرب کشور که عقبه آنان در ورای مرزها و بیرون از حوزه نفوذ و اثرگذاری حاکمیت ملی قرار دارد، از اهمیت برخوردار است. بر این اساس با عنایت به اهمیت مسایل فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی در مناطق کردنشین، مسأله‌ی اصلی این تحقیق بررسی میزان و نوع تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی بر همگرایی ملی مردم استان‌های کردنشین ایران از منظر نخبگی است.

سؤال تحقیق

آیا تقویت مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی تأثیری بر همگرایی ملی مردم استان‌های کردنشین ایران دارد؟

فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد میان تقویت مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی و همگرایی ملی مردم استان‌های کردنشین ایران رابطه وجود دارد.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های متعددی در زمینه مباحث قومی در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، جغرافیا و غیره در ایران انجام شده که عموماً مبانی نظری آن‌ها برگرفته از اندیشه‌ها و تفکرات دانشمندان غربی است. در این مجال تلاش می‌شود تا به برخی از پژوهش‌های نزدیک به موضوع اشاره‌ای گذرا شود. عیسی گلوردی در کتاب «اقوام ایرانی و زمینه‌های همگرایی» ضمن ارایه نظریات مختلف معتقد است سه مؤلفه تاریخ مشترک، هویت مشترک و سرزمین مشترک دربرگیرنده تمام مردم ایران از هر قوم و نژاد و مذهبی است و اقوام ایرانی - که قوم نامیدن آن با همان معنی رایج در علوم اجتماعی کاری نادرست است - بخش جدانشدنی سرزمین، دولت و جامعه ایران است. مسعود چلبی در پژوهشی با عنوان هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت ملی در ایران که به صورت پیمایشی در سال ۱۳۸۷ انجام داده، نتیجه می‌گیرد احساس هویت ملی و تعهد ملی نیز در بین همه اقوام بالاست. مجتبی مقصودی در کتاب «تحولات قومی در ایران: علل و زمینه‌ها» عوامل و راه‌های مؤثر در مقابله با واگرایی را در جلوگیری از درونی شدن احساس محرومیت، بهره‌گیری از نخبگان قومیت‌ها در هرم قدرت سیاسی و اجرایی کشور برآورده کردن تقاضاهای معقول قومیت‌ها، کاهش نابرابری‌های اجتماعی از طریق توجه بیشتر به مناطق قومی، بهبود اوضاع معیشتی و... می‌داند. رساله دکتری عباس علی‌پور با عنوان «تأثیر سیاست قومی بر همگرایی و واگرایی‌های اقوام در استان‌های سیستان و بلوچستان و کردستان پس از انقلاب اسلامی» یکی از تحقیقات نزدیک به تحقیق حاضر است. محقق معتقد است هویت‌های قومی نه تنها تضادی با هویت ملی و فراگیر در ایران ندارند بلکه در نقش ستون‌های نگه‌دارنده‌ی آن عمل می‌کنند. این وضعیت تا زمانی مصداق دارد که هویت قومی حالت افراطی پیدا نکرده و به قوم‌گرایی تبدیل نشده باشد.

چارچوب مفهومی

در این پژوهش تأکید بر گردهای ساکن در چهار استان آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و ایلام است.

همگرایی: همگرایی عبارت است از احساس تعلق و همبستگی اجزای ملت با تمام عناصر تشکیل‌دهنده کشور اعم از سرزمین، نظام سیاسی و ملت، به طوری که افراد بین خود و این عناصر احساس جدایی و تفاوت نکنند (علیپور، ۱۳۹۱: ۱۲۱).



اقتصاد: یکی از معانی اقتصاد در لغت، میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط در هر کاری است. با پایان یافتن جنگ سرد و شکل‌گیری روابط جدید در نظام بین‌الملل، اولویت‌های امنیتی دستخوش تحول شده و امنیت اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین شاخص امنیت ملی مطرح شد (عزتی و دهقان، ۱۳۸۷: ۸). آدام اسمیت از امنیت به‌عنوان یک کالای عمومی یاد کرده و تأمین و حفظ آن را یکی از وظایف اصلی دولت دانست (جهانیان، ۱۳۸۱: ۱۳).

امنیت اقتصادی نیز، وضعیت با ثباتی از شرایط و ساختار فعلی و افق معلوم و روشنی از آینده است که در آن فرد، جامعه، سازمان و دولت احساس رهایی از خطر کرده و به‌طور بهینه می‌توانند به تولید، توزیع و مصرف ثروت بپردازند (برومند، شهزاد و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۵). به عبارتی امنیت اقتصادی یعنی دسترسی به منابع، مالیه و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت (ربیعی، ۱۳۸۳: ۱۳۶).

شاخص‌های اقتصادی مورد سنجش در این پژوهش عبارتند از: وضعیت توسعه‌یافتگی، اشتغال و بیکاری، وجود کارخانجات و صنایع در مناطق کردنشین، وجود معادن و منابع زیرزمینی در استان‌های کردنشین، بازارچه‌های مرزی، مقایسه وضعیت اقتصادی گردهای داخل کشور با گردهای آنسوی مرز، وضعیت معیشت در مناطق کردنشین نسبت به سایر نقاط کشور، میزان سرمایه‌گذاری دولت و بخش خصوصی در مناطق کردنشین، اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها.

شاخص‌های فرهنگی - اجتماعی مورد سنجش در این پژوهش عبارتند از: رعایت حقوق شهروندی، احساس تبعیض و محرومیت، اشتراکات فرهنگی، سابقه‌ی تاریخی گردها به‌عنوان نژاد اصیل آریایی، عملکرد رسانه‌های معاند، زبان، دین، و مراکز دانشگاهی.

چارچوب نظری

مسائل قومی و هویتی از جمله مسائل اجتماعی هستند که نمی‌توان فرمول یا نظریه‌ی واحدی برای آن‌ها در جهان ارایه داد (نصیری‌فرد، ۱۳۸۱: ۳۸). یکی از رهیافت‌های اقتصادی بروز بحران‌های قومی، نظریه‌ی «توسعه نامتوازن و نابرابری‌های منطقه‌ای» است. این نظریه معطوف به فاکتورهایی نظیر وضعیت طبیعی، جغرافیایی و جمعیتی، ساختار برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌ها و سیر و جهت سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی است، که برای برخی از مناطق یک کشور توسعه‌ی اقتصادی، و برای تعدادی دیگر از مناطق، عدم توسعه‌ی اقتصادی را به‌همراه دارد (مقصودی، ۱۳۸۲: ۱۳۷).

«تئوری محرومیت نسبی» به طور ضمنی ناظر بر شرایطی نابرابر میان اجزای یک جامعه است. وضعیتی که در آن، برخی از شهروندان از امکانات و امتیازات، بهره‌مندی بیشتری نسبت به برخی دیگر دارند و گروه نابرخوردار در نسبت سنجی میان وضعیت خود و وضعیت گروه برخوردار، به احساسی دست می‌یابند که «محرومیت» نامیده می‌شود (صالحی‌امیری، ۱۳۸۵: ۹۲). «نظریه میل و نایسمن» در رابطه با قوم‌گرایی، با این موضوع شروع می‌شود که کاهش یا افزایش نابرابری اقتصادی چه نقشی در قوم‌گرایی دارد؟ ایسمن پس از بحث و استدلال فراوان، کاهش نابرابری اقتصادی را در کاهش تنش قومی مؤثر می‌داند.

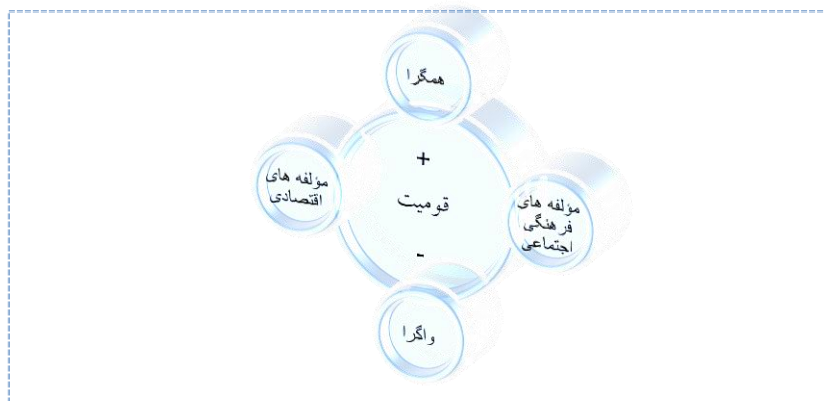
همان‌طور که ملاحظه شد مسأله‌ی قومیت از زوایای گوناگون قابل بررسی است. گاهی می‌توان با رویکرد سیاسی به مقوله‌ی قومیت نظر افکند و گاهی از منظر اقتصادی و گاه جامعه‌شناختی. در رویکرد اقتصادی بررسی مسائل قومی، عوامل اقتصادی، و در رویکرد اجتماعی مسایل اجتماعی و فرهنگی نقش اصلی را ایفا می‌کنند. باید توجه داشت که بررسی مسائل قومی از طریق مباحث تئوریک ارائه شده بدون توجه به شرایط و اوضاع حاکم بر کشور امکان‌پذیر نخواهد بود. براساس نظریات فوق، چنانچه ساکنان مختلف یک سرزمین از مسایل فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی به‌صورت تساوی و یکسان برخوردار نباشند، موجب تضعیف همگرایی ملی می‌شود.

در جوامع مدرن یکی از مهمترین عوامل همبستگی اجتماعی در قالب نهادهای اجتماعی و سیستم تقسیم کار و وابستگی تخصصی برآورد می‌شود که از مهم‌ترین نظریه‌پردازان آن امیل دورکیم می‌باشد. یکی از سؤالات اساسی و مطرح در آراء جامعه‌شناسان این موضوع است، که اجماع افراد چگونه در هر جامعه‌ای شکل می‌گیرد و افراد چگونه یک هستی اجتماعی و به عبارتی یک جامعه را شکل می‌دهند. دورکیم برای پاسخ به این سؤال بنیادی، دو شکل همبستگی را از هم تفکیک می‌کند؛ یکی همبستگی موسوم به مکانیکی و دیگری همبستگی موسوم به اندامی یا ارگانیکی (آرون، ۱۳۷۲: ۳۴۵).

دورکیم به‌عنوان یک جامعه‌شناس کلاسیک، همبستگی گروهی را محور تحلیل خود قرار داد و آن را به دو بخش مکانیکی و ارگانیکی تقسیم کرد. همبستگی مکانیکی به معنای وابستگی متقابل عناصر مشابه اجزای همگن در یک کل اجتماعی فاقد تمایزات داخلی است و همبستگی عضوی یا ارگانیکی، از تقسیم کار اجتماعی و به‌همراه آن کارکردها و تلاش‌هایی که مثل فرآیند اعضای متمایز انسان یکدیگر را کامل می‌کنند، می‌باشد. پیشینه‌ی این تقسیم دورکیم به توجیه اندیشه‌ای برمی‌گردد که بر طبق آن، هستی

یک واحد اجتماعی مثل یک کل، عضوی با حیات و یک روح جمعی خاص، تلقی می‌شود. همبستگی ارگانیکی مدّ نظر او در شرایطی معنا می‌یابد، که تقسیم کار و روابط تولید، نوعی همبستگی تحمیل شده را در جامعه معاصر تحمیل می‌کند (بیرو، ۱۳۶۷: ۴۰۰).

مدل مفهومی (از نگارندگان)



روش تحقیق

روش این تحقیق توصیفی پیمایشی و نوع آن کاربردی است. جامعه آماری تحقیق شامل صاحب نظران، نخبگان و کارشناسان حوزه قومی در دو سطح راهبردی و اجرایی است که با حجم نمونه ۹۰ نفر و به روش نمونه‌گیری ساده تصادفی انتخاب شده‌اند. از ابزار پرسشنامه محقق‌ساخته برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها و سنجش گویه‌ها استفاده شده است. به منظور تبیین و بررسی نظرات نخبگان پیرامون میزان و نوع تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی بر همگرایی مردم استان‌های کردنشین غرب کشور، پرسشنامه‌ای با ۱۹ گویه تنظیم و در میان نخبگان قومی در شهر تهران و استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و ایلام توزیع شده و پس از جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. محدوده مکانی این تحقیق نیز گردهای ساکن در غرب و شمال غرب کشور یعنی استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و ایلام را دربرمی‌گیرد، و به لحاظ زمانی نیز پژوهش حاضر در سال ۱۳۹۴ انجام شده است.

جدول شماره ۱: مشخصات جامعه نمونه

وضعیت	تحصیلات			سن				شغل			
	کارشناسی	ارشد	کارشناسی دکتری	۲۰-۳۰	۳۰-۴۰	۴۰-۵۰	۵۰ و بالاتر	اجرایی	انتظامی - امنیتی	دانشگاهی	سایر
فراوانی	۲۷	۴۳	۲۰	۱۲	۳۱	۳۵	۱۲	۳۱	۴۰	۱۱	۸
درصد	۳۰	۴۷/۷۸	۲۲/۲۲	۱۳/۳۳	۳۴/۴۴	۳۸/۸۹	۱۳/۳۳	۳۴/۴۴	۴۴/۴۴	۱۲/۲۲	۸/۸۹

بررسی پایایی و روایی پرسشنامه

در این پژوهش برای سنجش پایایی پرسشنامه از مفهوم ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. فرآیند بررسی پایایی و روایی پرسشنامه با استفاده از نتایج آماری آلفای کرونباخ به شرح زیر است:

جدول شماره ۲: ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده

ابعاد	تعداد نمونه	تعداد پرسش‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
مؤلفه‌ی اقتصادی	۹۰	۹	۰/۸۰۴
مؤلفه‌ی فرهنگی - اجتماعی	۹۰	۱۰	۰/۸۲۱

با توجه به یافته‌های جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود مقادیر آلفای کرونباخ در تمام مؤلفه‌های پرسشنامه بالاتر از ۰/۷۰ است، لذا این پرسشنامه به لحاظ پایایی معتبر است.

یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۳: تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی بر همگرایی کردها

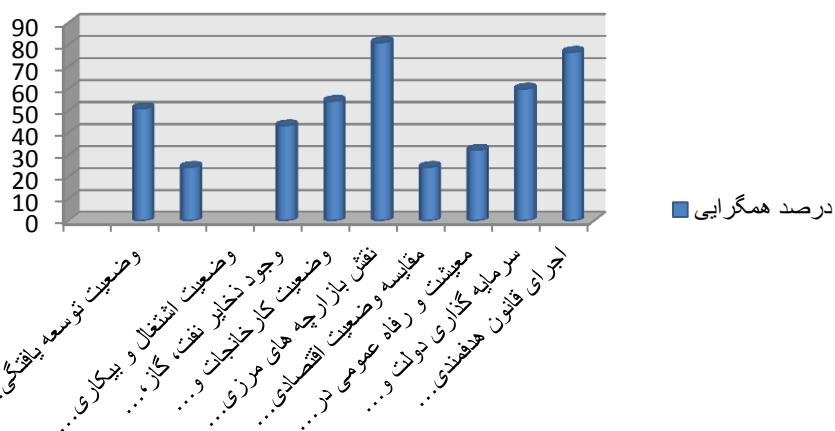
گونه	فراوانی	درصد	میزان تأثیر (درصد)			
			خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
وضعیت توسعه یافتگی فعلی مناطق کردنشین	۴۶	۵۱/۱۱	۲۲	۴۶	۲۶	۷
وضعیت بیکاری در مناطق کردنشین	۲۲	۲۴/۴۴	۵۵	۲۷	۵	۱۴
وجود ذخایر نفت، گاز، معادن و منابع زیرزمینی در استان‌های کردنشین	۳۹	۴۳/۳۳	۲۸	۳۶	۲۸	۸



۰	۶	۲۰	۴۵	۲۹	۵۴/۴۴	۴۹	وضعیت کارخانجات و صنایع سنگین در مناطق کردنشین
۰	۱	۲۵	۲۹	۴۵	۸۱/۱۱	۷۳	نقش بازارچه‌های مرزی در مناطق کردنشین
۰	۰	۳۶	۲۷	۲۷	۲۴/۴۴	۲۲	مقایسه وضعیت اقتصادی گردهای داخل کشور با گردهای آن سوی مرز
۱۰	۳	۳۱	۲۴	۳۱	۳۲/۲۲	۲۹	معیشت و رفاه عمومی در مناطق کردنشین نسبت به سایر نقاط کشور
۰	۱۳	۳۱	۳۰	۴۱	۶۰/۰۰	۵۴	سرمایه‌گذاری دولت و بخش خصوصی در مناطق کردنشین
۱	۶	۱۶	۳۸	۳۹	۷۶/۶۷	۶۹	اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها

نمودار شماره ۱

مؤلفه های اقتصادی



با توجه به نتایج حاصل از پرسشنامه از نظر ۴۹/۷۵ درصد از پاسخ‌دهندگان، میزان اهمیت و تأثیرگذاری مؤلفه‌های بعد اقتصادی در همگرایی گردها به ترتیب عبارتند از: نقش بازارچه‌های مرزی در مناطق کردنشین (۸۱٪)، اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها (۷۶٪)، سرمایه‌گذاری دولت و بخش خصوصی در مناطق کردنشین (۶۰٪)، وضعیت کارخانجات و صنایع سنگین در مناطق کردنشین (۵۴٪)، وضعیت توسعه‌یافتگی فعلی

مناطق کردنشین (۵۱٪)، وجود ذخایر نفت، گاز، معادن و منابع زیرزمینی در استان‌های کردنشین (۴۳٪)، معیشت و رفاه عمومی در مناطق کردنشین نسبت به سایر نقاط کشور (۳۲٪)، وضعیت اشتغال و بیکاری در مناطق کردنشین (۲۴٪)، مقایسه وضعیت اقتصادی گردهای داخل کشور با گردهای آن سوی مرز (۲۴٪). از میان مؤلفه‌های فوق‌الذکر، مؤلفه «نقش بازارچه‌های مرزی با (۸۱٪)» بیشترین تأثیر و مؤلفه «مقایسه وضعیت اقتصادی گردهای داخل کشور با گردهای آن سوی مرز با (۲۴٪)» کمترین تأثیر را در همگرایی گردها داشته است.

ریشه بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی امنیتی در مناطق کردنشین ناشی از مشکلات اقتصادی است. فقر اقتصادی و توسعه‌نیافتگی منجر به فقر فرهنگی و فقر اجتماعی شده و زمینه را برای بروز چالش‌های قومی بوجود خواهد آورد. لذا کمک به وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم مناطق کردنشین و ارتقاء سطح توسعه‌یافتگی این مناطق می‌تواند علاوه بر کاهش بسیاری از جرایم و ناهنجاری‌ها، موجب تقویت همگرایی و ایجاد امنیت پایدار مناطق کردنشین و تقویت همگرایی ملی شود. مؤلفه‌های اقتصادی اگرچه در مجموع با ۴۹/۷۵ درصد به‌عنوان عامل همگرا شناخته شده است، ولی به نظر می‌رسد وضعیت اقتصادی در مناطق کردنشین در وضعیت آسیب‌پذیری قرار دارد و مشکل اقتصادی می‌تواند تبعاتی را به دنبال داشته باشد و موجب لطمه به همگرایی مردم گردها ساکن در مناطق مرزی شود.

جدول شماره ۴: نتایج آزمون فریدمن مربوط به مؤلفه‌های اقتصادی

رتبه میانگین	گویه‌ها
۶/۰۱	وضعیت اشتغال و بیکاری در مناطق کردنشین
۵/۵۸	نقش بازارچه‌های مرزی در مناطق کردنشین
۵/۵۰	مقایسه وضعیت اقتصادی گردهای داخل کشور با گردهای آن سوی مرز
۵/۱۴	اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها
۴/۹۶	معیشت و رفاه عمومی در مناطق کردنشین نسبت به سایر نقاط کشور
۴/۸۸	میزان سرمایه‌گذاری دولت و بخش خصوصی در مناطق کردنشین
۴/۷۶	وضعیت توسعه یافتگی فعلی مناطق کردنشین
۴/۶۱	وضعیت کارخانجات و صنایع سنگین در مناطق کردنشین
۳/۵۵	وجود ذخایر نفت، گاز، معادن و منابع زیرزمینی در استان‌های کردنشین



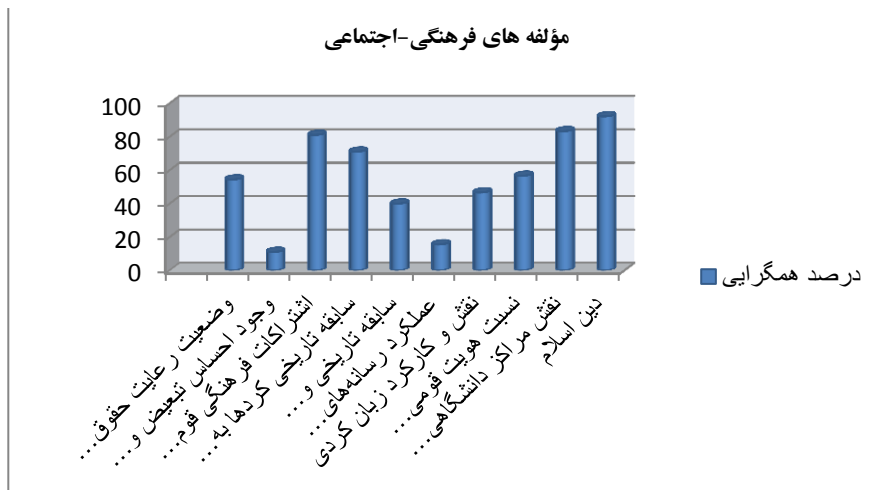
تعداد نمونه	۹۰
χ^2	۶۴/۵۰۳
درجه‌ی آزادی	۸
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰

یافته‌های جدول شماره ۴، مقدار آماره χ^2 دو (۶۴/۵۰۳) به دست آمده با درجه آزادی ۸ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ تفاوت بین گویه‌ها در این بعد را نشان می‌دهد و گویه وضعیت اشتغال و بیکاری در مناطق کردنشین با میانگین ۶/۰۱ دارای بالاترین رتبه و وجود ذخایر نفت، گاز، معادن و منابع زیرزمینی در استان‌های کردنشین با میانگین ۳/۵۵ پایین‌ترین رتبه را دارا هستند.

جدول شماره ۵: تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی بر همگرایی کردها

گویه	فراوانی	درصد	میزان تأثیر				
			زیادتر از میانگین	زیاد	متوسط	کم	کمتر از میانگین
وضعیت رعایت حقوق شهروندی در مناطق کردنشین نسبت به سایر نقاط کشور	۴۹	۵۴/۴۴	۳۹	۳۵	۲۴	۲	۰
وجود احساس تبعیض و محرومیت در شهروندان کرد	۱۰	۱۱/۱۱	۴۰	۴۰	۲۰	۰	۰
اشتراکات فرهنگی کردها با ملت ایران	۷۳	۸۱/۱۱	۴۰	۳۳	۲۱	۵	۱
سابقه تاریخی کردها به‌عنوان یک قوم اصیل ایرانی	۶۴	۷۱/۱۱	۴۴	۳۴	۱۳	۹	۰
سابقه‌ی تاریخی کردها	۳۶	۴۰/۰۰	۳۶	۴۲	۲۲	۰	۰
عملکرد رسانه‌های معاند (ماهواره‌ها، مطبوعات، فضای مجازی)	۱۴	۱۵/۵۶	۵۰	۲۹	۲۱	۰	۷
نقش و کارکرد زبان کردی	۴۲	۴۶/۶۷	۲۴	۴۸	۱۹	۷	۲
نسبت هویت قومی کردی با هویت ملی	۵۱	۵۶/۶۷	۲۵	۴۳	۲۵	۴	۲
نقش مراکز دانشگاهی در مناطق کردنشین	۷۵	۸۳/۳۳	۲۹	۳۶	۲۳	۹	۳
دین اسلام	۸۳	۹۲/۲۲	۳۶	۳۵	۱۸	۸	۲

نمودار شماره ۲



با توجه به نتایج حاصل از پرسشنامه از نظر ۴۵/۲۵ درصد از پاسخ‌دهندگان، میزان اهمیت و تأثیرگذاری مؤلفه‌های بعد فرهنگی - اجتماعی در همگرایی کردها به ترتیب عبارتند از: دین اسلام (۹۲٪)، نقش مراکز دانشگاهی در مناطق کردنشین (۸۳٪)، اشتراکات فرهنگی کردها با ملت ایران (۸۱٪)، سابقه تاریخی کردها به‌عنوان یک قوم اصیل ایرانی (آریایی) (۷۱٪)، نسبت هویت قومی کردی با هویت ملی (۵۶٪)، وضعیت رعایت حقوق شهروندی در مناطق کردنشین (۵۴٪)، نقش و کارکرد زبان کردی (۴۶٪)، سابقه‌ی تاریخی کردها (۴۰٪)، عملکرد رسانه‌های معاند (ماهواره‌ها، مطبوعات، فضای مجازی) (۱۵٪)، وجود احساس تبعیض و محرومیت در شهروندان کرد (۱۱٪). از میان مؤلفه‌های فوق‌الذکر، مؤلفه «دین اسلام با (۹۲٪)» بیشترین تأثیر و مؤلفه «وجود احساس تبعیض و محرومیت در شهروندان کرد با (۱۱٪)» کمترین تأثیر را در همگرایی قوم کرد داشته است.

نقش و کارکرد دین فارغ از گرایش‌های مذهبی در همگرایی بسیار بی‌بدیل بوده است. لذا با توجه به جمعیت قابل توجه اهل سنت، برای تقویت همگرایی کردها، به جای تمرکز بر تمایزات مذهبی، لازم است بر اشتراکات دینی توجه و تمرکز بیشتری شود. در مجموع مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی به‌عنوان عامل همگرا شناخته شد.

وجود احساس تبعیض و محرومیت در مردم مناطق کردنشین بالاترین میزان تأثیر را در بین عوامل فرهنگی - اجتماعی دارد. می‌توان گفت این عامل ریشه در سیاست‌های



رژیم گذشته و رفتارهای سلیقه‌ای برخی مسؤولان، برخلاف سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی ایران، نسبت به شهروندان گُرد دارد، هرچند نباید از نقش بیگانگان و عناصر قومی واگرای خارج‌نشین در القاء تبعیض و محرومیت در میان شهروندان گُرد غافل شد. البته باید بپذیریم که نسبت توسعه‌یافتگی و پیشرفت استان‌های کردنشین با سایر نقاط کشور در سطح پایین‌تری قرار دارد و اقدامات مؤثرتر و بیشتری را می‌طلبد. در مجموع مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی به‌عنوان عامل همگرا شناخته شد. نکته‌ای که باید در تدوین راهبردهای کلان در حوزه گُردی به آن توجه شود این است که، قدرت‌های بزرگ و معاند به دنبال امنیتی‌کردن مسأله‌ی اقوام و به طور خاص گُردها در ایران هستند. لذا باید تلاش شود تا مسایل و مشکلات حوزه گُردی که عموماً مسایل اجتماعی و اقتصادی است تبدیل به یک معضل و پدیده امنیتی نشود. علی‌ایحال در مجموع راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در حوزه مناطق کردنشین نسبتاً موفق و اثرگذار بوده است و تداوم و تقویت این مسیر نیز ضروری است.

جدول شماره ۶: نتایج آزمون فریدمن مربوط به مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی

رتبه میانگین	گویه‌ها
۱۰/۱۳	میزان تأثیر وجود احساس تبعیض و محرومیت
۹/۹۲	میزان تأثیر عملکرد رسانه‌های معاند (ماهواره‌ها، مطبوعات، فضای مجازی و...)
۹/۰۶	میزان تأثیر دین اسلام
۸/۸۹	میزان تأثیر اشتراکات فرهنگی کردها با ملت ایران
۸/۸۵	میزان تأثیر سابقه تاریخی گُردها به‌عنوان یک قوم اصیل ایرانی (آریایی)
۸/۱۸	میزان رعایت حقوق شهروندی در مناطق کردنشین نسبت به سایر نقاط کشور
۸/۰۳	میزان تأثیر سابقه تاریخی گُردها
۷/۷۴	میزان تأثیر نقش مراکز دانشگاهی در مناطق کردنشین
۷/۵۲	میزان تأثیر نقش و کارکرد زبان گُردی
۷/۳۰	میزان تأثیر نسبت هویت گُردی با هویت ملی
۹۰	تعداد نمونه
۱۳۴/۰۹۳	X^2
۱۴	درجه آزادی
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری

یافته‌های جدول شماره ۶، مقدار آماره خی دو (۱۳۴/۰۹۳) به دست آمده با درجه آزادی ۱۴ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰ تفاوت بین گویه‌ها در این بعد را نشان می‌دهد و گویه احساس تبعیض و محرومیت شهروندان گُرد با میانگین ۱۰/۱۳ دارای بالاترین رتبه و نسبت هویت قومی گُردی با هویت ملی با رتبه میانگین ۷/۳۰ دارای پایین‌ترین رتبه است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

مسئله قومیت از زوایای گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و امنیتی قابل بررسی است. این تحقیق دارای ابعاد گسترده‌تری بوده است اما با عنایت به‌عنوان و رویکرد مقاله، در بخش یافته‌ها فقط به تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی بر همگرایی قوم گُرد اکتفا شده است. باید توجه داشت که بررسی مسائل قومی از طریق مباحث تئوریک ارائه شده بدون توجه به شرایط و اوضاع حاکم بر کشور امکان‌پذیر نخواهد بود. براساس نظریات فوق چنانچه ساکنان مختلف یک سرزمین از مسایل فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی به‌صورت تساوی و یکسان برخوردار نباشند و یا احساس برابری نداشته باشند، موجب تضعیف همگرایی ملی و در نتیجه بروز چالش‌های قومی می‌شود. در گفتمان امنیتی جدید، کشورهای با تنوع زمانی از امنیت و همبستگی ملی و وحدت و انسجام برخوردارند که بتوانند زمینه‌ی دسترسی یکسان و مساوی گروه‌های مختلف ساکن در سرزمین را به حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی - اجتماعی، دفاعی - امنیتی فراهم کنند. با توجه به روند جهانی‌شدن و تغییر و تحولات جهانی و منطقه‌ای و با نگرش به این که قرن بیست‌ویکم قرن انسان‌محور لقب گرفته؛ لذا بررسی و شناخت عوامل مؤثر بر همگرایی اقوام در حوزه‌های مختلف نیازمند توجه جدی است.

گُردها به‌عنوان یکی از اقوام اصیل ایرانی به دلیل موقعیت حاشیه‌ای، وضعیت توپوگرافی، پیوستگی جغرافیایی با محیط بیرونی، پیرامونی، سابقه تاریخی و غیره نسبت به سایر اقوام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مناطق کردنشین غرب کشور از فرصت‌ها و ظرفیت‌های بزرگ اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و دفاعی - امنیتی برای تحکیم، تقویت و توسعه انسجام و همبستگی ملی برخوردار است. اما بنا به دلایل متعدد در ادوار مختلف، از ظرفیت‌های موجود استفاده نشده است و در برخی از موارد، آسیب‌هایی به وجود آمده است. دولت می‌تواند با ایجاد زمینه‌های بیشتر مشارکت



گُردها در ساختارهای سیاسی، فرهنگی - اجتماعی، امنیتی و اقتصادی کشور و با استفاده از ظرفیت‌ها و فرصت‌های موجود همگرایی، موجب تقویت هویت ملی و همگرایی بیشتر قوم گُرد شود.

در بررسی علل و عوامل همگرایی گُردهای مناطق غرب کشور نتایج کلی حاصله حاکی از کارکرد مثبت مؤلفه‌های اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی است. لذا هر قدر وضعیت توسعه‌یافتگی اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی مناطق کردنشین تقویت شود، همگرایی ملی مردم استان‌های کردنشین نیز تقویت خواهد شد و براساس فرضیه تحقیق میان توسعه‌یافتگی اقتصادی و فرهنگی و همگرایی ملی مردم استان‌های کردنشین رابطه وجود دارد. محققان معتقدند ضمن توجه به گزاره‌های ضعیف همگرایی احصاء شده و تلاش برای تقویت و بهبود آنها لازم است در سیاست‌گذاری‌ها و تدوین راهبردها از هرگونه نگاه صرف و تک‌بعدی پرهیز و با شناخت و اشراف بر محیط، تصمیماتی همه‌جانبه و جامع اتخاذ شود. با عنایت به این‌که نظریه‌های ارایه شده فقط به یک جنبه از مسایل قومی تأکید دارند قابل نقد بوده و پرداختن به یک جنبه از ابعاد مختلف مسایل قومی قطعاً تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران را دچار اشتباه می‌کند و موجب اتخاذ سیاست‌ها و تصمیمات غلط و به تبع آن تضعیف همگرایی خواهد شد. لذا تأکید می‌شود تمرکز و تلاش بیشتر در راستای مدیریت و بهبود زمینه‌های همگرایی و رفع کاستی‌ها و مشکلات مناطق کردنشین در ابعاد مختلف و هم‌چنین استفاده بهینه از ظرفیت‌های همگرایانه گُردها می‌تواند موجب تقویت همبستگی، انسجام و هویت ملی مردم استان‌های کردنشین ایران شود.

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۷۲)؛ *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، ج ۳، تهران: سهامی.
- اسمیت، آنتونی (۱۳۷۷)؛ «منابع قومی ناسیونالیسم»، تهران: *فصلنامه مطالعات راهبردی*، پیش شماره اول.
- برومند، شهزاد و همکاران (۱۳۸۷)؛ *امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب (مطالعه تطبیقی)*، ج ۱، تهران: مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- بیرو، آلن (۱۳۶۷)؛ *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، ج ۲، تهران: کیهان.
- جهانیان، ناصر (۱۳۸۱)؛ *امنیت اقتصادی*، ج ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- چلبی، مسعود (۱۳۶۷)؛ *هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت جامعه‌ای (ملی) در ایران*، وزارت کشور، دفتر امور اجتماعی.
- درایسدل، آلاسدر؛ اچ بلیک، جرالد (۱۳۷۰)؛ *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*، ترجمه دره میرحیدر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ربیعی، علی (۱۳۸۳)؛ *مطالعات امنیت ملی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- صالحی‌امیری، سیدرضا (۱۳۸۵)؛ *مدیریت منازعه قومی در ایران*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- عزتی، مرتضی؛ دهقان، محمدعلی (۱۳۸۷)؛ *امنیت اقتصادی در ایران*، تهران: مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- علیپور، عباس (۱۳۹۱)؛ *تأثیر سیاست قومی بر همگرایی و واگرایی‌های اقوام در استان‌های سیستان و بلوچستان و کردستان پس از انقلاب اسلامی*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، دانشکده علوم انسانی، رشته جغرافیای سیاسی.
- فراهانی، عاطفه (۱۳۸۶)؛ «مطالعات قومی: مفاهیم و نظریه‌ها»، *پژوهشنامه تنوع فرهنگی و همبستگی ملی*، ش ۸، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- گلوردی، عیسی (۱۳۹۱)؛ *اقوام ایرانی و زمینه‌های همگرایی*، تهران: کمیل.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۲)؛ *تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- مؤسسه مطالعات ملی (۱۳۷۷)؛ *نظریه روابط قومی*، گزارش‌های تحقیقاتی.
- مویر، ریچارد (۱۳۷۹)؛ *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*، ترجمه دره میرحیدر، ج ۱، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- نصیری‌فرد، تیمور (۱۳۸۱)؛ *شکل‌گیری دولت مدرن و تأثیر آن بر قوم‌گرایی ایران*، تهران: پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه تهران.

